



## هر که در این حلقه نیست...

### درباره جلسات «حلقه مهر» خانه شاعران ایران

فاطمه سالاروند

اغلب چهره‌های شرکت کننده در نخستین جلسات مهر، حلقه های بچه‌های دفتر شعر جوان قبلی بودند که هنوز هم پس از سال‌ها، با این انجمن و با جلسات حلقه مهر مرتبط هستند.

ایشان این ضرورت را به زبان موثری بیان کرده بودند و من این نامه را در برنامه مطرح کردم. بعد از آن معاون وقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اگر اشتباه نکنم آقای صباح زنگنه که برنامه را شنیده بودند، از طریق آقای صدرا لاهوتی پیغام فرستادند و آمادگی خود را برای تشکیل چنین مرکزی مثل مرکز سینمای جوان اعلام کردند.

گفت‌وگوهای اولیه صورت گرفت و دفتر شعر جوان متشکل از قیصر امین پور، سیدحسین حسینی، فاطمه راکعی، محمدرضا عبدالملکیان و بنده (ساعد باقری) بنا گذاشته شد...»

همان طور که صحبت‌های استاد باقری را می‌نویسم، به این فکر می‌کنم که اگر نامه آن دختر جوان مثل هزاران نامه دیگر بی‌پاسخ می‌ماند و با بی‌تفاوتی کنار گذاشته می‌شد، شاید سال‌ها می‌گذشت و کسی به ضرورت تاسیس چنین مرکزی فکر نمی‌کرد. هر چند حالا در گوشه و کنار کشور کانون‌ها و مراکز ادبی بسیاری فعال هستند و شاعران جوان از طریق وبلاگ‌ها و سایت‌های مختلف از آثار تازه هم با خبر می‌شوند و می‌توانند نقد و نظرانشان را خیلی سریع و آسان منتقل کنند، اما آن روزها وجود چنین مرکزی بسیار راهگشا و تاثیرگذار بود.

یادم می‌آید سالی که به عضویت دفتر شعر جوان درآمدم، با نوارهایی که از سخنرانی‌های صفار زاده و گرمارودی و طاهباز و... برایمان می‌فرستادند، با کاست‌هایی از کلاس‌های مکتب‌های ادبی سین حسن حسینی و به خصوص نوارهایی که در آن قیصر عزیز با صبر و حوصله و دقت همیشگی‌اش، شعرهای اعضا را نقد می‌کرد، دریچه تازه‌ای به رویم گشوده شد و به راستی که رشته پیوندم با دنیای شعر محکم‌تر شد. شاید همین رشته بود که بعد از این که در تهران ساکن شدم مرا به سوی خانه شاعران کشاند، تا با همکاری در بخش‌های مختلف و به

«در سال‌های ۶۵ تا ۷۰، برنامه‌ای از رادیو پخش می‌شد به اسم «جنگ جوان». بخشی از این برنامه، کارشناسی شعر بود که بچه‌های جوان و صاحب استعداد از گوشه و کنار کشور شعر می‌فرستادند و ما نقد و بررسی می‌کردیم و در برنامه مطرح می‌شد. خانم ژاله صادقیان و مرحوم فریورز کیان، گوینده‌های برنامه بودند که بسیار با علاقه و نه فقط در حد یک اجرای صرف، با مباحث درگیر می‌شدند و همین باعث شده بود تا این بخش از برنامه به یک جلسه کوچک خودمانی نقد و بررسی شعر شبیه باشد.

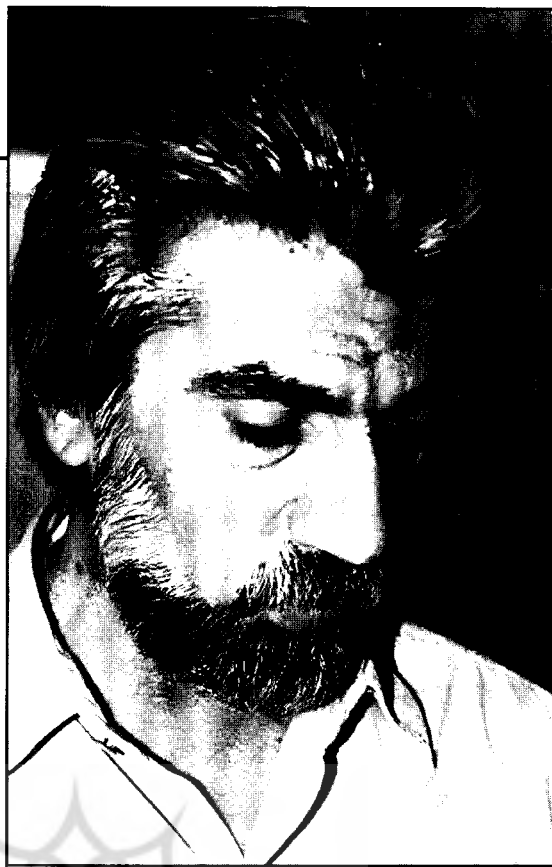
بچه‌های مرتبط با این برنامه، بچه‌های شهرستانی بودند که امروز از شاعران نام‌آشنای کشور هستند. در یکی از برنامه‌ها، دختر خانمی ۱۶-۱۷ ساله، در نامه‌ای که فرستاده بود مطلب مهمی ذکر کرده بود که همان باعث شد تا سنگ بنای اولیه دفتر شعر جوان گذاشته شود.

ایشان به جلسات شعر خوانی و انجمن‌های ادبی پراکنده‌ای که در شهرستان‌ها وجود داشت اشاره کرده بود و این که این جلسات اغلب از جنس انجمن‌های ادبی قدیمی است و عموماً با گرداندگی کسانی که از جنس همان شرکت‌کنندگان در انجمن‌های ادبی قدیمی هستند. کسانی که مثلاً وزن و قافیهای را به «طرح» می‌گذارند تا دیگران در آن وزن و با آن قافیه شعر بگویند و... در آن نامه، آفت نبودن یک مرکز واحد را از جنسی که همان وقت در سینما داشتیم، یعنی سینمای جوان، در حوزه شعر یادآوری شده بود؛ مرکز واحدی که سلاطین گوناگون را در برگیرد، نه این گونه باشد که شعرهای سروده شده در قالب کلاسیک را حتی اگر زبان نویی داشته باشند رو کند و بگوید اینها شعر نیست و نه فقط در قالب کلاسیک آن هم با زبان و بیان کهن بیسندند و هر گونه نوآوری را طرد کنند و قبول نداشته باشند.



شماره ۶۸  
زمستان ۱۳۸۸

نفس های سبزی که  
 عطر واژه های شان را  
 در این خانه به یادگار  
 گذاشته اند؛ اسمها و  
 امضاهای نخستین  
 جلسات را نگاه می کنیم،  
 منوچهر آتشی، م. آزاد  
 عمران صلاحی، قیصر  
 امین پور



شماره ۶۸  
 زمستان ۱۳۸۸

ویژه طی سال ها با شاعران جوان تر، همچنان در این فضا نفس بکشم. تا امروز که پس از گذشت بیست از هشت سال فقط با حضور در انجمن شاعران ایران و در بخش سلسله نشست های هفتگی «حلقه ی مهر» این رشته الفت هنوز گسسته نشده است.

استاد باقری ادامه می دهد: «پس از تشکیل دفتر شعر جوان و گذشت چند سال، به این فکر افتادیم که برای بچه های دفتر که هر کدام یک سال عضو این مرکز هستند، پس از پایان دوره تقریباً هیچ برنامه ای نداریم. ضرورت تشکیل جلسات شعر خوانی و نقد و بررسی شعر در انجمن شاعران بر همین اساس احساس شد و هم این که شاعران پیشکسوت و نام آشنا در این جلسات حضور یابند و شاعران جوان از نقد و نظرهای آنان استفاده کنند. اغلب چهره های شرکت کننده در نخستین جلسات حلقه مهر، همان بچه های دوره های قبلی دفتر شعر جوان بودند که هنوز هم پس از سال ها، با این انجمن و با جلسات حلقه مهر مرتبط هستند. البته با توجه به تشکیل جلسه حلقه مهر در تهران، بچه های شهرستانی به ناچار فقط در شرایطی که به تهران می آمدند می توانستند در این نشست ها حضور داشته باشند.

حلقه مهر منجر شد که بچه ها پراننده نشوند و علاوه بر آن بعضی چهره های جدیدی که در این سال ها در زمینه شعر فعالیت کرده اند، به جمع اعضای حلقه مهر پیوسته اند. همان طور که از اسم این جلسه بر می آید از همان نقطه ی آغاز، قصدمان این بوده که فضایی ایجاد شود تا سلاقی مختلف شعری بتوانند در کنار همدیگر بنشینند و حاصل این نشست ها بازتاب جریان شعر پویای این روزگار باشد.

می دانید که این احساس نیاز در شاعران هست که بعد از آفرینش اثر باز خورد تاثیر آن را بر مخاطب ببینند و یکی از امتیازات این جلسه آن است که شرکت کنندگان که اغلب شاعرند یا در زمینه شعر دارای نظرگاه هستند برخوردشان با آثار تفننی نیست. اعضای این جلسه در دراز مدت می توانند بی واسطه، نظر مجموعه ای از کسانی را که با شعر پیوند جدی دارند در مورد آثارشان جویا بشوند و ببینند...»

دفتری را که پیش رو دارم باز می کنم. برگ اول تاریخ گشایش جلسه حلقه مهر را نشان می دهد، ۲۵ تیر ۱۳۸۳. بیش از ۵ سال است که تقریباً هر هفته پنج شنبه از ساعت ۵ بعد از ظهر، «خانه شاعران» میزبان کلمات روشنی است که

چراغ این خانه را هم چنان تابناک نگه داشته اند.  
 چه نفس های سبزی که عطر واژه های شان را در این خانه به یادگار گذاشته اند؛ اسمها و امضاهای نخستین جلسات را نگاه می کنم، منوچهر آتشی، م. آزاد، عمران صلاحی، قیصر امین پور و ... زیر لب می خوانم:  
**... چگونه است که بهانه ای برای بازگشت ندارند**  
**مسافران ماه**  
**بی گاه**  
**به راه می افتند و دیگر**  
**برای برداشتن هیچ کلیدی بر نمی گردند**  
**هر چه جاده ها بدونند و**  
**عقربه ها از نفس بیفتند**  
**دنیا هم که زیر و رو شود**  
**انگار نه انگار**  
**رفته اند و سیم هیچ تلفنی به صدایشان نمی رسد... (۱).**

ساعد باقری می گوید: «در سال های آغازین تا موقعی که استاد آتشی، آزاد و ... بودند اغلب به جلسه سر می زدند. حضور این عزیزان و دوستان دیگری مثل عمران صلاحی، احمد رضا احمدی، قیصر امین پور و ... و نیز چهره های آشنا و نام آور شعر این روزگار، شمع حلقه مهر را برافروخت و شاعران جوان نیز به این جلسه رونق بخشیدند...»

دفتر را که ورق می زنم نام های آشنای بسیاری می بینم؛ مشفق کاشانی سهیل محمودی، فاطمه راکعی، محمدرضا محمدی نیکو، افشین علاء عبدالجبار کاکایی، علیرضا قزوه، محمدرضا عبدالملکیان، محمدعلی مجلسی، شیرینعلی گلمرادی، حسین اسرافیلی، مصطفی محدثی، موسی بیدج، محمدرضا ترکی، قربان ولیبی، مصطفی رحماندوست، بهروز یاسمی، فاضل نظری، هوشنگ طیار، محمود دست پیش، ناهید یوسفی، محمد رضانی فرخانی، صدیقه وسمعی، اکبر آزاد، حسن فراز مند، غزل تاج بخش، منصوره نیکوگفتار، رسول یونان، اسماعیل امینی، سید عباس سجادی، گروس عبدالملکیان، راضیه بهرامی، مرتضی امیری و ...

ساعد باقری در پایان صحبت هایش می گوید:  
 «این جلسه پیش از آن که جلسه شعر خوانی باشد، دغدغه اش نقد و بررسی شعر است و برای همین است که قبل از جلسه، آثار اعضای جدید بررسی می شود تا آن آثار اصول اولیه شعر را دارا باشند و در جلسه به مباحث جدی تر بپردازیم.

بی نوشتها:

۱- بخشی از شعر «مسافران ماه» از نگارنده.